

حنیف

ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما



سلسله کافران

هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آیه شریفه (وَإِنْ تَوَلَّوْا) را تلاوت کردند، حاضران عرض کردند: ای رسول خدا! کسانی که اگر ما اعراض کردیم خدا آنان را جانشین ما می‌کند و آنان مانند ما نخواهند بود، کیانند؟ رسول خدا دست بر ران سلمان فارسی زد و فرمود: این و طایفه‌اش هستند. (سپس اضافه نمود): اگر دین خدا اویزه ستاره ثریا باشد، حتماً مردانی از فارس به آن خواهند رسید.

[کنز العمال، ج ۱۲، ص ۹۰، ح ۳۴۱۲۶]

در آیه ۵۴ سوره مائده آمده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما از آئین خود بازگردد (به خدا زبانی نمی‌رساند) خداوند در آینده جمعیتی را می‌آورد، که آن‌ها را دوست دارد و آن‌ها (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران نیرومندند، آن‌ها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش کنندگان هراسی ندارند. این فضل خدا است که بهر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست. شخصی درباره منظور این آیه از پیامبر (صلی الله علیه وآله) پرسید، پیامبر (صلی

رسول خدا رو به قریش کرد و فرمود: ای گروه قریش! نسب افتخارآمیز هر کس، دین اوست، مردانگی هر کس، خوی و شخصیت اوست و اصل و ریشه هر کس، عقل و ادراک او.

بنا بر روایتی هشتم صفر سال ۳۵ هجری قمری مصادف با سالروز وفات بزرگ‌مردی از صحابه خاص رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌است. نامش، «روزبه» بود. سلمان فارسی همو که بسیاری از ایرانی‌ها برای یافتن راه هدایت مدیون او هستند.

سلمان فارسی از یاران پیامبر اسلام بود که با دیدن ایشان اسلام آورد و بعد از وی از امیرالمؤمنین دفاع نمود. وی راوی حدیث است و کرامات بسیاری دارد. در این گزارش ما سعی داریم گوشه‌ای از فضایل و رفتار و کردار ایشان را بررسی کنیم و بازگویی زندگینامه ایشان را به فرصت دیگری می‌سپاریم.

سلمان دارای فضائل و مناقب زیادی است. به‌طوری‌که در آیاتی از قرآن کریم به سلمان و قوم وی اشاره شده و نیز در روایات بسیاری از مقام و منزلت سلمان یاد شده است.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم در مورد وی می‌فرمایند: «هر که می‌خواهد به مردی بنگرد که خداوند قلبش را به ایمان درخشان کرده، به سلمان بنگرد.» [احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۵۰]

و در حدیثی دیگر فرموده‌اند: «اگر دین در ثریا بود، سلمان به آن دسترسی پیدا می‌کرد.» [شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۸، ص ۳۶]

در آیه ۳۸ سوره محمد آمده است: هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ

آری شما همان جمعیتی هستید که دعوت برای انفاق در راه خدا می‌شوید و بعضی از شما بخل می‌ورزند، و هر کس بخل کند نسبت به خود بخل کرده است، و خداوند بی‌نیاز است و شما همه نیازمندید و هرگاه سرپیچی کنید خداوند گروه دیگری را بجای شما می‌آورد که مانند شما نخواهند بود.



نکرده است، اگر در ایران کتابخانه هائی وجود می‌داشت، فرضاً سوختن آنها ضبط نشده بود، اصل وجود کتابخانه ضبط می‌شد، خصوصاً با توجه به اینکه می‌دانیم اخبار ایران و تاریخ ایران بیش از هر جای دیگر در تواریخ اسلامی وسیله خود ایرانیان یا اعراب ضبط شده است. در ثانی جریان خاص در آن زمان رشد کرده بود به نام شعوبیگری. شعوبیگری هر چند در ابتدا یک نهضت مقدس اسلامی عدالتخواهانه و ضد تبعیض بود، ولی بعدها تبدیل شد به یک حرکت نژاد پرستانه و ضد عرب. اگر عرب چنین نقطه ضعف بزرگی داشت که کتابخانهها را آتش زده بود، خصوصاً کتابخانه ایران را، محال و ممتنع بود که شعوبیه که در قرن دوم هجری اوج گرفته بودند و بنی‌عباس به حکم سیاست ضد اموی و ضد عربی که داشتند به آنها پر و بال می‌دادند درباره‌اش سکوت کنند.

خلاصه سخن این شد که تا قرن هفتم هجری یعنی حدود ششصد سال بعد از فتح ایران و مصر، در هیچ مدرکی (چه اسلامی و چه غیر اسلامی) سخن از کتابسوزی مسلمانان نیست. برای اولین بار در قرن هفتم این مساله طرح می‌شود.

سلمان از دید پیامبر

حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) همیشه از سلمان به نیکی یاد می‌کرد و در مقاطع مختلف، این جمله را تکرار کرد که: «سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ». در جریان جنگ خندق، مسلمانان به پیشنهاد سلمان، برای مقابله با کفار به حفر خندق مشغول بودند، سلمان، که دارای بازویی قوی بود، مهاجر و انصار خواهان او بودند و هر گروه می‌گفت: سلمان از ماست. در این هنگام حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) با یک جمله به مجادله آنان پایان داد و فرمود: «سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ».

نیز در باره فضیلت سلمان در جایی دیگر می‌فرماید:

«هر کس می‌خواهد به کسی نگاه کند که دلش نورانی است، به سلمان بنگرد.»

سلمان از دید امام علی(علیه السلام)

ابوالاسود نقل می‌کند: روزی با اصحاب و یاران امیرالمؤمنین(علیه السلام) نزد ایشان نشستیم و با همدیگر در حال گفتگو بودیم. بعضی گفتند: ای امیر مؤمنان، از اصحابت برایمان بگو.

فرمود: از کدامیک؟ جواب دادند از سلمان برایمان بگو فرمود: «من لکم بمثل لقمان الحکیم؟! و ذلک امرؤ منّا و اینا اهل البیت، أدرك العلم الأول و أدرك العلم الآخر، و قرأ الكتاب الأول و قرأ الكتاب الآخر، بحر لا ینزف».

سلمان از دید امام صادق(علیه السلام)

امام صادق(علیه السلام) سلمان فارسی را بزرگ می‌دانست و از او بسیار یاد می‌کرد. عده ای نزد امام، درباره فضیلت سلمان و جعفر طیار سخن گفتند. بعضی از حاضران، جعفر را بر سلمان برتری دادند و بعضی نیز گفتند: سلمان مجوسی بود و سپس اسلام آورد. امام صادق(علیه السلام) با شنیدن این جمله ناراحت شده، فرمود:

«ای ابابصیر، خداوند او را علوی قرار داد، پس از این که مجوسی بود و قریشی قرار داد پس از این که فارس بود. صلوات خدا بر سلمان. و همانا برای جعفر نیز نزد خداوند جایگاهی است، او همراه فرشتگان در بهشت پرواز می‌کند.»

آستان مقدس سلمان فارسی در شهر مدائن، در غرب دجله، در نزدیکی طاق کسری واقع شده است.

* مراجعه به سایتهای شیعه نیز، فرهنگ نیز، ادیان نت

الله علیه و آله) دست بر شانه یا گردن سلمان زد و فرمود: «هَذَا وَ ذُوهُ» منظور آیه، این شخص و قوم او هستند. آنگاه فرمود: «لَوْ كَانَ الدِّينُ بِالْثَرِيَا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِّنْ أُنْبَاءِ فَارِسٍ.» [احتجاج طبرسی، ج ۳، ص ۲۰۸]

منظور از «اهل مشرق»، «اصحاب الرایات السود»، «اهل خراسان» و «الرجل الخراسانی»، «فرس»، «عاجم»، «موالی»، «بنوالحمراء»، «قوم سلمان»، «اهل قلم» و «اهل طالقان» که در برخی از احادیث به چشم می‌خورند، ایرانیانند. اینان زمینه ساز حکومت حضرت مهدی (علیه‌السلام) هستند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: مردمانی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمین را برای حکومت جهانی مهدی آماده می‌سازند. [کتاب «الفتن»، ج ۲، ص ۱۳۶۶، ح]

روزی سلمان فارسی در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشست به عده ای از بزرگان اصحاب نیز حاضر بودند، سخن از اصل و نسبت به میان آمد. هر کس درباره اصل و نسب خود، چیزی می‌گفت و آن را بالا می‌برد. نوبت به سلمان فارسی رسید. به او گفتند: تو از اصل و نسب خودت بگو. این مرد فرزانه و تعلیم یافته و تربیت شده مکتب اسلام، به جای آنکه از اصل و نسب و افتخارات نژادی سخن بگوید، گفت: «أَنَا سَلْمَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ كُنْتُ ضَالًّا فَهَدَانِي اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - بِمُحَمَّدٍ، وَ كُنْتُ عَائِلًا فَأَغَانِي اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ وَ كُنْتُ مَمْلُوكًا فَأَعْتَقَنِي اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ» نام من سلمان است و فرزند یکی از بندگان خدا هستم. گمراه بودم، خداوند به وسیله محمد، مرا راهنمایی کرد. و فقیر بودم، خداوند به وسیله محمد، مرا بی نیاز کرد. برده بودم، خداوند به وسیله محمد، مرا آزاد کرد.

در این هنگام، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شد و سلمان آنچه را گذشته بود، به عرض آن حضرت رساند. رسول خدا رو به آن جماعت، که همه از قریش بودند، کرد و فرمود: ای گروه قریش! نسب افتخارآمیز هر کس، دین اوست، مردانگی هر کس، خوی و شخصیت اوست، و اصل و ریشه هر کس، عقل و ادراک او.

سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) آیه ۱۳ سوره حجرات را خواندند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و خبیر است.

و به سلمان فرمودند: هیچ یک از اینان بر تو برتری ندارند، مگر به ملاک پرهیزگاری. اگر تقوای تو از آنان بیشتر است، از آنان برتری. [الروضه من الکافی، ص ۱۸۱، ح ۲۰۳]

سلمان یکی از مهندسان شهرسازی بود به طوری که طرح و نقشه کوفه را کشید. وی مناصب سیاسی زیادی را پذیرفته بود؛ در زمان حکومت خلیفه دوم با مشورت حضرت علی (ع) وی به عنوان حاکم مدائن انتصاب شد و در آنجا بسیار ساده زندگی می‌کرد. سلمان زندگی خویش را بر طبق زندگی پیامبر (ص) و امام علی (ع) طرح ریزی کرده بود.

برخی برای ایجاد شبهه گفت اند که سلمان فارسی با همدستی عربها به ایران حمله نموده و کتابخانه های زیادی در زمان وی آتش گرفته است ولی اسناد تاریخی گویای این است که مردمان ایرانی در عصر زندگانی سلمان، احترامی بس فراوان برای وی قائل بودند. در منابع کهن تاریخی آمده است که ایرانیان (و مخصوصاً مردم مدائن) به عنوان احترام، در مقابل سلمان به خاک می‌افتادند. اما سلمان مردم را از این کار نهی می‌کردند. [محمد بن سعد کاتب واقدی، الطبقات الكبرى، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۷۷]

در مورد کتابسوزی ایران باید گفت: اساساً تاریخ وجود کتابخانه‌ای را در ایران ضبط



گفتگو با شخصیت های دینی آفریقا (۱)

وهابی ها آزادانه در برونندی تبلیغ می کنند

می کنند.

وی درباره رابطه شیعه و سنی در برونندی گفت: رابطه خوبی با هم داریم .

تبلیغات وهابی ها در برونندی

مفتی عام برونندی ادامه داد: وهابی ها در برونندی قدرت دارند، زیرا افراد



زیادی هستند که در عربستان درس خوانده اند و عربستان از آنها حمایت می کند. و این امروز مشکل بزرگی است. در برونندی فقط وهابی ها تبلیغ و فعالیت دارند و مردم فقط شیوخ وهابی را می شناسند.

چندی پیش گروهی از علما و شخصیت های دینی آفریقا ضمن سفر به جمهوری اسلامی ایران و ملاقات با چهره های دینی و مراکز اسلامی کشور در نشست های تخصصی شرکت کردند و علاوه بر این از نزدیک با وضعیت اهل سنت ایران و فعالیت های آنها آشنا شدند. این شخصیت های دینی حوزه به بیان وضعیت مسلمانان کشور خود و نظریات خود در مورد مسائل مهم جهان اسلام پرداختند.

گفتگو با شیخ کاجاندی مفتی کل برونندی

شیخ صدیق عبدالله کاجاندی نماینده قانونی جمعیت اسلامی و مفتی کل برونندی در معرفی برونندی گفت: برونندی در وسط آفریقا قرار دارد در همسایگی کنگو، تانزانیا و رواندا. جمعیت برونندی ۹ میلیون نفر است که ۱۵ درصد آن مسلمان هستند و ما تقریباً ۶۰۰ مسجد داریم که متعلق به تمام مذاهب است از جمله مذاهب سنی شافعی، حنفی و مذهب شیعه و اباضی های عمان و در برونندی مسلمانان با دولت رابطه خوبی دارند. ما در دولت ۴ وزیر مسلمان داریم و در پارلمان هم ۴ نماینده مسلمان داریم و در سناتورها هم ۴ مسلمان داریم. وی در مورد حضور مسیحیان در کشور خود گفت: مسیحیان پروتستان و آنجلیکان در برونندی زندگی می کنند.

چگونگی انتخاب مفتی برونندی

کاجاندی درباره چگونگی انتخاب مفتی عام در برونندی گفت: مفتی عام توسط مسلمانان انتخاب می شود. جمعیت اسلامی برونندی در هر شهر و استان یک نماینده دارد و برخی، مفتی برونندی را برای یک دوره چهار ساله انتخاب



گفتگو با رئیس شورای علمای برون‌دی

جوابو ابوبکر نزورینگا از جمهوری برون‌دی فارغ‌التحصیل رشته تبلیغات اسلامی از دانشکده «الشریعة» عربستان در مدینه منوره است که از سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۱۳ هجری در آنجا درس خوانده و اکنون در جمعیت اسلامی برون‌دی کار می‌کند که یک جمعیت عام‌ویژه تمام مسلمانان حتی شیعیان و اباضیه و اسماعیلیه است و علاوه بر این در مدرسه تربیت اسلامی آفریقا تدریس می‌کند و امام جماعت مسجد اهل سنت و جماعت در برون‌دی و رئیس شورای علمای (مشایخ) برون‌دی نیز هست.

وی درباره فعالیت‌های دینی کشور برون‌دی گفت: فعالیت‌های دینی کشور ما خوب و فعال است و مشکلی ندارد.

رئیس شورای علمای برون‌دی در مورد نگرش مسلمانان برون‌دی به مساله وحدت اسلامی گفت: هنگامی که ما در عربستان و مدینه منوره درس می‌خواندیم، در آنجا نوعی عدم موافقت با مساله‌ای به نام وحدت اسلامی جریان داشت و با وحدت مخالفت می‌کردند و می‌گفتند دین خدا اسلام است و اسلام یک دین و مذهب بیشتر ندارد و هر کس با توحید مورد نظر ما و سنت و پیامبر (ص) و صحابه مخالفت کند از این دین خارج شده و اگر کسی اسمی از وحدت ذکر می‌کرد هشدار می‌دادند که از او پرهیز کنید، چون منافق است و در این زمینه استناد می‌کردند به این آیه که می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»؛ (این است امت شما که امتی یگانه است، و منم پروردگار شما، پس مرا پرستید) و این آیه که می‌فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا أَوْصَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»؛ (از [احکام] دین، آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که: «دین را برپا دارید و در آن تفرقه‌اندازی مکنید»).

وی افزود: وهابی‌ها بر این باورند که دین اسلام شاخه ندارد و تجزیه پذیر نیست و بر این اساس چیزی به نام وحدت اسلامی نیز نخواهیم داشت و ما نیز همین فکر و باور را داشتیم تا اینکه فارغ‌التحصیل شدیم، اما هنگامی که اولین بار به لبنان و بیروت رفتم شنیدم که درباره وحدت اسلامی صحبت می‌کنند و می‌گویند همه مسلمانان با صرف نظر از مذهب و کشوری که

در آن زندگی می‌کنند یک امت هستند و مهم‌ترین مساله این است که همه مسلمان با اختلافی که در مذاهب و عقاید و احکام دارند همه مسلمان هستند و من به این نتیجه رسیدم که مساله وحدت یک مساله مهم است که جهان به آن نیاز دارد، اما متأسفانه در عربستان مانع شکل‌گیری این باور در ما شدند در حالی که وحدت اسلامی یک دستور الهی است و آیه شریفه که می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» و وهابی‌ها برای مخالفت با وحدت به آن استناد می‌کنند، در واقع دارد به ما دستور می‌دهد با وجود اختلافاتی که دارید باید بر محور بندگی خدا متحد شوید و من در این آیه که تامل کردم به این نتیجه رسیدم که دلیلی ندارد یک مسلمان، مسلمان با مذهب دیگر را بکشد، چون همه آنها می‌گویند لا اله الا الله ﷻ و این شعار همچون پرچمی است که همه می‌توانند زیر آن جمع شوند و علاوه بر این محمد (ص) پیامبر همه و قرآن، کتاب تمام مسلمانان است. بدین ترتیب دلایل ما برای وحدت زیاد است و از آن زمان یعنی سال ۲۰۱۳ که در بیروت بودم، به این نتیجه رسیدم که وحدت امری ضروری و حق است، اما هنگامی که به کشور خود بازگشتم و وهابی‌ها شنیدند ما از بیروت آمده ایم، خواستند ما را بزنند و بکشند، اما ما به سراغ نخست‌وزیر رفتم و درباره این مساله با او صحبت کردیم او گفت این که شما می‌گویید مشکلی ندارد، اما سعودی‌ها همیشه خود را برتر می‌دانند. وهابی‌ها باید بدانند که دین اسلام پیروان دیگری نیز در ایران و لبنان و سوریه و عراق دارد و تمام اینها مسلمان هستند و همه باید با هم برادر باشند که خداوند فرموده «انما المؤمنون إخوة» و تا زمانی که ما به خداوند متعال و پیامبر ایمان داریم همه یک امت هستیم. نزورینگا ادامه داد: وهابی‌ها می‌گویند هنگامی که کسی از دنیا می‌رود معنا ندارد بالای سر قبر او بایستیم، زیرا وقتی کسی از دنیا رفت دیگر نیست تا زمانی که همه در پیشگاه خدا محشور شویم در حالی که اسلام و روایات به ما می‌آموزد به عنوان مثال فرزند صالح مانند یک صدقه جاریه است که به والدین خود می‌رسد و این مشکلی ندارد که کسی بالای قبر پدر یا دوست خود بایستد و برای او دعا کند و این بدعت نیست. چیزی که مشکل دارد و حرام است این است که ما یک قبر را بدون دلیل شرعی نبش کنیم و به مرده بی احترامی کنیم، اما نگاه کردن به قبر و دعا کردن مشکلی ندارد در حالی که وهابی‌ها همه چیز را حرام و بدعت می‌دانند.



پرسی و پاسخ

مگر قرآن کتاب هدایت نیست؟ چرا نمی توانیم برداشت‌های فردی از قرآن بکنیم؟

۳. سنت معصوم علیه السلام

از جمله شئون پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، تبیین مقاصد کتاب الهی است: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ». [نحل ۱۶، آیه ۴۴]

علامه طباطبایی می نویسد: «این آیه مبارکه، دلیل بر حجیت سخن پیامبر اکرم در شرح آیات قرآن کریم است». [المیزان، ج ۱۲، ص ۲۶۱] سنت و سخن معصوم علیه السلام در تفسیر و تبیین قرآن و تعلیم شیوه تفسیر به مردم و تبیین تأویل و تعلیم راهیابی به بطون قرآن، نقش اساسی دارد.

۴. عقل و تفکر خلاق

مفسر و بهره گیرنده از قرآن، باید عقل فعال و تفکر خلاق داشته باشد تا بتواند با استفاده از این ابزار به طور صحیح و دقیق، معارف دینی را از آیات قرآنی استخراج کند.

۵. جامع نگری

گفتنی است دین مجموعه عقاید و آموزه هایی است که باید با هم سازگار باشد؛ از این رو در برداشت از قرآن، باید هر مفهوم قرآنی، در مجموعه آموزه های دینی - که از منابع اصلی به دست آمده - نگریسته شود. فهم عمیق معانی قرآن، نیاز به تلاش علمی بسیار دارد؛ از این رو مفسرانی موفق بوده اند که کوله باری از پیشینه علمی و تحقیقی بر دوش آنان بوده است.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه به کتاب های علوم قرآنی مراجعه شود؛ از جمله:

الف. دزفولی، کمال، شناخت قرآن؛

ب. بهشتی، محمدحسین، روش برداشت از قرآن؛

ج. سعیدی روشن، محمدباقر، علوم قرآنی.

قرآن کتابی است با زبان عربی و در اوج فصاحت و بلاغت و رسایی معنا؛ از این رو عربزبانان عصر نزول، بسیاری از معارف قرآن را بدون مراجعه به تفسیر، درک می کردند.

اما به دلایلی، برای فهم صحیح آیات قرآن نیاز به آگاهی های بیشتر و مراجعه به تفسیرهای معتبر داریم:

۱. قرآن در کنار حادثه ها بود و به وقایعی که در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق می افتاد، نظر داشت. عرب های معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله آن حوادث را درک کرده بودند، اما نسل های بعد، از آن صحنه ها دور شدند. لذا آگاهی به شرایط نزول آیات در فهم بهتر کمک می کند.

۲. قرآن با توجه به مخاطبان اولیه خود، از مثال ها و اصطلاحات منطقه ای بهره جسته است؛ اگر چه پیام های آن فرامنطقه ای است. آگاهی از این قالب ها در فهم بهتر پیام ها بسیار کارگشا است.

۳. برخی از عبارات قرآنی، مربوط به ادیان آسمانی گذشته است؛ لذا آشنایی با اعتقادات آنان و محتوای کتاب ها و منابع آنان بایسته است.

روشن است به دلیل ناآگاهی از موارد فوق، پرده هایی از ابهام، بر عبارات قرآن عارض می شود. مفسران این پرده ها را کنار می زنند، تا مراد خداوند به طور شفاف استخراج و کشف شود. در واقع آنان کار فهم آیات را بر ما ساده و آسان می کنند.

گاهی جهت فهم مراد آیات قرآن، علاوه بر تفسیر به دانش های دیگری همچون تأویل و تطبیق نیز نیازمندیم.

بنا بر آنچه گفته شد؛ بهره مندی از معارف قرآن تا حدودی برای همگان ممکن است؛ اما برای فهم قرآن - به عنوان منبع اساسی معرفت دینی - باید ابزارهای خاص آن را بیابیم و حدود استفاده از آنها و میزان تأثیر و اعتبار آنها را بدانیم.

مهم ترین این ابزارها عبارت است از:

۱. ادبیات و قواعد زبان شناختی

برای درک سخن هر گوینده و نقطه آغاز تفاهم، آگاهی از قواعد اولیه مربوط به زبان و لغت او ضروری است؛ از این رو باید اطلاعاتی کافی و عمیق از ادبیات این زبان، داشت. در ادبیات نیز فهم معناشناسی واژه ها، آشنایی با علم صرف و علم نحو - که جایگاه ترکیبی کلمات را در ساختار جملات مشخص می سازد - و اطلاع از علم معانی و بیان و بدیع - که در زیباسازی کلام حاوی قواعد مهمی است - بایسته است.

۲. آشنا بودن به مضمون و سیاق خود قرآن

در قرآن قرینه هایی هست که بعضی پیوسته و برخی ناپیوسته است و برای فهم مقصود هر گوینده، مناسب ترین شیوه آن است که سخنان او را در کنار هم و مرتبط با هم بنگریم و این شیوه در ارزیابی و نتیجه گیری مفید است.

ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما

دبیر ویژه نامه: زهره قدیمی

